

تکبرگی راه کارگر

روزنامه سیاسی هیئت اجرائی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سردبیر: ارژنگ بامشاد دوشنبه ۱۳۸۱-۲ سپتامبر ۲۰۰۲ شماره ۱۵۳

پیام هفتمین کنگره

سازمان کارگران انقلابی

ایران (راه کارگر) به مردم ایران

کارگران! زحمت کشان! دانش جویان! زنان! روشن فکران و جوانان آزادی خواه!

در نتیجه مبارزات شما رژیم جمهوری اسلامی در سراسر فروپاشی قرار گرفته است؛ مرزهای عدم مشروعیت حکومت دینی پشت سر مانده است؛ حکومت ناپذیر کردن اوضاع برای مستبدان حاکم از طریق گسترش دامنه نافرمانی مدنی به گام میرم در مسیر تحقق خواست شما برای تغییرات بنیادی و واژگونی استبداد تبدیل شده است و در متن این روند، پیوند میان براندازی استبداد و جایگزینی آن با یک نظم دمکراتیک اهمیت مرکزی یافته است.

شما مردم ایران در یک قرن اخیر برای رهایی از استبداد و بنای یک نظم مردمی و عدالت خواه بارها جنگیده اید؛ استبدادها را واژگون کرده اید، و دیده اید که چگونه دیو استبداد دوباره از درون و بیرون بر شما مسلط شد. اکنون نیز درک واقعیت درماندگی و بن بست همه جانبه جمهوری اسلامی، جریان های سیاسی ضد دمکراتیک و نامردمی را به ناکاپو کشانده است تا بار دیگر حاصل رنج ها و مبارزات شما مردم برای آزادی و دموکراسی را به یغما برند و استبداد را در قالبی جدید بازآفرینند.

اما افتادن در دام چاله ای که نیروهای ضد دمکراتیک و در رأس آن ها سلطنت طلبان با حمایت آشکار آمریکا در برابر مبارزه مردم گشوده اند، سرنوشت محتوم این جنبش نیست. در رویارویی با خطر بازتولید استبدادی دیگر از درون جنبش عمومی ضد استبدادی، برای مردم راهی نمانده است جز آن که هر بخشی حول خواست ها و مطالبات ویژه خود متحد شود و همبستگی در پیکار علیه استبداد بر فصل مشترک های واقعی میان مطالبات اقشار و گروه های مختلف مردم استوار گردد. در این مسیر بر همه مدافعان آزادی و دمکراسی است که تا دیر نشده از طریق گسترش گفت و گو و مراودات فکری منظم میان خود، هم سویی در پیکار ضد استبدادی علیه نظام جمهوری اسلامی را تقویت کنند و به برآمد اردوی دمکراسی یاری رسانند.

کارگران ایران!

عدم پرداخت حقوق معوقه، خطر اخراج ها، گسترش روابط برده دارانه از طریق جایگزین کردن پیمان های دسته جمعی استخدامی با قراردادهای موقت بدون بیمه و بدون برخورداری از حداقل مزایای شغلی، پائین تر بودن دستمزدها نسبت به سطح واقعی تورم، زورگویی ها و اجحاف های کارفرمایان و حکومت، محرومیت از حق

بقیه در صفحه ۲

برای ایجاد یک فوروم گفت و گوی دمکراتیک

۱- اعتراضات و مبارزات گسترده و گسترش یابنده بخش های مختلف مردم ایران علیه نظام ولایت فقیه تردیدی باقی نمی گذارد که اکثریت قاطع ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی و هر نوع حکومت مذهبی هستند. پس مساله ای که اکنون در مقابل مردم ایران قرار دارد این است که اولاً؛ چگونه می توانند اوضاع را برای جمهوری اسلامی حکومت ناپذیر کنند و این رژیم را براندازند؛ ثانیاً این براندازی را در جهت ایجاد یک نظام دمکراتیک جایگزین پیش ببرند.

۲- هم براندازی جمهوری اسلامی و هم تاسیس دموکراسی نیازمند آن است که اولاً هر یک از بخش های مختلف مردم حول خواست های مشخص و ویژه خود هر چه بیشتر متحد و متشکل شوند و آن ها را هر چه موثرتر پیش بکشند؛ ثانیاً با آگاهی به شرایط دست یابی به این خواست های ویژه، فصل مشترک های شان را با خواست های بخش های دیگر مردم دریابند، حول این فصل مشترک ها با آن ها پیوند یابند و هم سویی ها و هم راهی های لازم را سازمان دهند؛ ثالثاً به شرایط سیاسی عمومی لازم برای دستیابی به خواست های ویژه و منافع عمومی شان آگاهی یافته و متناسب با آن برای مقابله با جمهوری اسلامی و شکل دادن به نظام جایگزین تدارک ببینند.

۳- مشکل بزرگ کنونی این است که سرکوب گری جمهوری اسلامی (اولاً با فعال تر شدن جریان های سیاسی غیردمکراتیک و ناهم ساز با حق حاکمیت مردم در میان مخالفین جمهوری اسلامی؛ ثانیاً با حضور نظامی بی سابقه آمریکا در منطقه خاورمیانه که بیداری بزرگ مردم ایران و چشم انداز شکل گیری باز هم خانه تکانی کنیم!

درفصحه ۲

گزارش برگزاری کنگره هفتم

سازمان کارگران انقلابی

ایران (راه کارگر)

درفصحه ۳

دنباله از صفحه ۱ پیام هفتمین کنگره سازمان
تشکل مستقل در کنار هزار یک محرومیت دیگر، وضعیت شاق و تحمل ناپذیری را بر یکایک شما تحمیل کرده است. مبارزات شما در یک سال گذشته علیه کارفرمایان و حکومت حامی برده داری اسلامی و دستگاه‌های سرکوبگر آن در موارد متعددی نقش و قدرت اعتراضات فراکارخانه‌ای را نشان داده است. با گسترش مبارزه در مسیر ایجاد تشکل سراسری کارگری است که می‌توان دولت و کارفرمایان را به عقب راند و سنگری پایدار در دفاع از منافع کارگری برپا ساخت. هم‌سرنوشتی کارگران با توده‌های ده‌ها میلیونی محروم از کار، با جنبش معلمان و پرستاران و سایر زحمت‌کشان، همه جا برپایی تشکل‌های مستقل را به پیش شرط عروج و بالندگی جنبش متحد اعتراضی مزد و حقوق‌بگیران کشور تبدیل کرده است.

زنان آزادی خواه!

بنیاد جمهوری اسلامی بر آپارتاید جنسی، زن ستیزی و محرومیت‌های همه‌جانبه زنان استوار است. این نظام زنان را به تن فروشی وامی‌دارد و در کام فقر و اعتیاد و ستم جنسی رها می‌کند. با تشکیل محافل مستقل فئینیستی و تشدید پیکار روزمره با برجسته‌ترین مظاهر مردسالاری و پدرسالاری است که مبارزات شما در لغو نظام جداسازی جنسی، برابر حقوقی کامل زن و مرد در همه عرصه‌های حیات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، آزادی کامل پوشش و حق زن بر بدن و بر سرنوشت خویش چشم‌انداز مساعدتری در فردای سرنوشتی جمهوری اسلامی خواهد یافت.

دانش جویان و جوانان آزاده!

طنین فریادهای مرگ بر استبداد شما، جنگ فرسایشی روزمره شما با عوامل سرکوبگر حکومت، دفاع استوار شما از ارزش‌های دموکراتیک و سکولاریستی، طغیان شکوه‌مندان برای برخورداری از یک آینده شایسته، مایه امید همه مشتاقان آزادی و رهایی است. مبارزه شما پیام‌آور این حقیقت است که در صورت تشدید نافرمانی مدنی، ایجاد هسته‌های مقاومت مدنی در محلات، برپایی پایگان‌های جدید خبر رسانی به قصد درهم شکستن دیوار سانسور و اختناق و گسترش حمایت و همبستگی از همه جنبش‌های آزادی‌خواهانه، بویژه حمایت از اعتراضات کارگران و نهیستان، این حکومت بر دوام نخواهد ماند.

مردم ستم‌کشیده ایران!

صبح رهایی را نه حاکمان تمامیت خواه، نه اصلاح‌طلبان رنگ و رو باخته و دست و پا بسته‌ی دستگاه ولایت، نه نفت‌خواران آمریکایی، نه بیگانه‌پرستان سلطنت‌طلب و نه دیگر آلت‌رناتیوهای ارتجاعی به ارمغان نخواهند آورد. رهایی شما تنها با پیکار مستقل خود شما ممکن است. جنبش چپ ایران و سازمان ما به عنوان بخشی از این جنبش، هویت خویش را در این پیکار شما برای رهایی و عدالت اجتماعی و در کمک به سازماندهی آن تعریف می‌کند و در این مبارزه همه جا در کنار شماست. پیروزی از آن شما مردم است.

شرکت‌کنندگان در هفتمین کنگره سازمان کارگران

انقلابی ایران (راه کارگر)

دنباله از صفحه ۱ برای تدارک.....

نظام دموکراتیک جایگزین به هم پیوند بدهند؛ ثانیاً گفت‌وگوی گسترده میان جریان‌های سیاسی و فکری مختلف را در راستای ارتقا آگاهی سیاسی و اجتماعی توده‌های مردم، در سطوح مختلف، از کوچک‌ترین محافل و تجمع‌های محلی گرفته تا سطوح سراسری، سازمان بدهند؛ ثالثاً شرایط مساعدی برای ارتباط میان جنبش‌های اجتماعی و جریان‌های سیاسی فراهم بیاورند؛ رابعاً هشجاری و توان سیاسی طرفداران دموکراسی را در مقابل همه طرح‌ها و تمهیدات جریان‌های گوناگون ضددموکراتیک در مقیاس به راستی توده‌ای تقویت کنند.

۶- فوروم گفت‌وگوی دموکراتیک بنا به نقشی که به عهده می‌گیرد، طبعاً باید از همه اشکال و امکانات ارتباط توده‌ای استفاده کند. رسانه‌ای با برد واقعاً موثر توده‌ای و سراسری یکی از مهم‌ترین اشکال ارتباطات است که فوروم برای راه‌اندازی آن باید به تلاش برخیزد و حمایت گسترده همه طرفداران دموکراسی را، مخصوصاً در خارج از کشور که امکان تماس و گردهم‌آیی‌های علنی وجود دارد، برای ایجاد آن بسیج کند، و با ایجاد ساختاری واقعاً دموکراتیک برای اداره آن، تربیون موثری برای گفت‌وگوی همه جریان‌های سیاسی و فکری و انعکاس دیدگاه‌ها و نظرات همه جریان‌های طرفدار دموکراسی فراهم بیاورد.

۷- تلاش برای ایجاد فوروم گفت‌وگوی دموکراتیک مسلماً باید با هدف‌ها و جهت‌گیری‌های شفاف یاد شده در بالا صورت گیرد، ولی باید توجه شود که این فوروم نه جای یک حزب و سازمان سیاسی را می‌تواند بگیرد و نه به یک گرایش سیاسی و طبقاتی واحدی می‌تواند خلاصه شود، بل‌که تنها از طریق امکان‌پذیر ساختن گفت‌وگوها و طبعاً هم‌گرایی‌های لازم و ممکن در میان جریان‌های سیاسی و فکری مختلف و ناهمگون می‌تواند شکوفا شود. بنابراین توان و فرصت‌های گران‌بها را نباید در تلاش‌های بی‌ثمر یا کم‌ثمر برای تنظیم پلتفرم‌های صوری دست و پا گیر هدر بدهد و بیش از هر چیز بر پویایی پیکار دموکراسی باید متکی باشد.

۸- سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) که سازمان‌دهی پیکارهای طبقاتی معطوف به سوسیالیسم را وظیفه محوری و ثابت خود می‌داند، و پیکار برای دموکراسی را جزئی حیاتی و غیرقابل چشم‌پوشی از این وظیفه محوری تلقی می‌کند، بی‌آن که از کارهای تبلیغاتی و تشکیلاتی مستقل خود ذره‌ای چشم‌پوشد، برای جلب توجه طرفداران دموکراسی به ضرورت فوروم گفت‌وگوی دموکراتیک در این مرحله حساس از مبارزات مردم ایران، به تلاش برخیزد و در شکل‌گیری آن هم‌راه با همه طرفداران دموکراسی فعالانه شرکت کند.

باز هم خانه تکانی کنیم!

سازمان ما همچون عموم احزاب و سازمان‌های چپ داخلی و بین‌المللی، به الزاماتی در ساختار حزبی باور داشت که نتایج عملی آن، سلطه فرهنگ استبدادی و بروکراتیک بر ساختار سازمان و سایر اقدامات متشکل انقلابی بود.

بدور از هر نوع توجیه‌گری باید اذعان کرد که این بینش و مقررات ناشی از آن هر چند غیردموکراتیک بود، اما به مثابه یک نرم و یک فرهنگ جا افتاده در میان احزاب چپ وجود داشت، اعتقاد به آن به معنای حرکت در مسیر عمومی و رایج احزاب چپ بود.

ما از همان آغاز شکل‌گیری سازمان راه کارگر، متأثر از این بینش غیردموکراتیک، بر سیاست‌ها و مقرراتی توافق کردیم که اقدامات عملی ناشی از آن بعضاً سرکوب‌گرایانه و استبدادی بود. به زبانی دیگر نیروهای سازمان ما در پرتو چنین نگاهی به تشکیلات، جز بر مدار تفسیر رسمی، عملاً حق اظهار نظر نداشتند، و اگر هم در مواردی شرایط تحقق این حق فراهم می‌شد، امکان انعکاس آن در بیرون تقریباً امری شبیه به محال بود. در چنین وضعیتی، دگراندیشان و اقلیت‌های گوناگون یا اخراج می‌شدند و یا راهی جز کناره‌گیری در مقابل خود نمی‌یافتند!

امروزه بر همه آشکار است که وجود مقتدرانه‌ی چنین بینشی که سرکوب نظری جزئی اجتناب ناپذیر از آن بود، موجب بروز خطاهایی جبران ناپذیر در جنبش جهانی چپ سوسیالیست گردید که زخمهای عمیق آن تا به امروز و تا همیشه بر پیکر احزاب و سازمانهای کمونیستی باقی خواهد ماند.

در سازمان ما هم وجود این بینش و اقدامات ناشی از آن، عواقب تلخی در پی داشته است که اخراج‌های حزبی را باید نمود بارز آن دانست. هر چند کار با اخراجها پایان نمی‌گرفت! زیرا فشارهای ناشی از این فضای مسموم و غیر قابل تنفس به نوبه‌ی خود عاملی بود تا بسیاری از کادرها و اعضای انقلابی، کناره‌گیری از سازمان را ترجیح دهند. چرا که راه دیگری در مقابلشان قرار نداشت.

نقطه‌ی اوج این اقدامات و فضای تیره ناشی از آن را در سازمان ما باید در جریان بحران سال ۱۳۶۷ پی گرفت. در این مقطع، اخراجها و کناره‌گیری‌های اعتراضی و بعضاً ناامیدانه، تشکیلات ما را به راستی دوشقه کرده بود! در آن بحران، هم سازمان به شدت آسیب دید و کوچک شد و هم انرژی انقلابی بسیاری از رفقای اخراجی و جدا شده عملاً سوزانده و ناکارآمد شد. بی‌کمان نتایج این بحران به سهم خود تأثیری منفی بر اعتبار جنبش چپ سراسری ایران گذاشته است و آن را در مقابل دشمنان سوسیالیسم و آزادی‌ضعیف‌تر کرده است.

با این همه هرگز نباید فراموش کرد که سازمان ما در نشست کنگره اول خود صمیمانه تلاش کرد تا متناسب با درک آن روز خود از دموکراسی درون تشکیلاتی، به نقد این رویدادها و عملکردها بنشیند و مصوبه‌ای را هم تصویب کرد که همگان از آن باخبرند.

امروزه اما سازمان ما، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) نه تنها با درک استبدادی و بروکراتیک

گزارش برگزاری کنگره هفتم سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

کنگره سالانه سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در اواسط مرداد ماه ۱۳۸۱ برابر با اوت ۲۰۰۲ با یک دقیقه کف‌زدن‌های پرشور حاضران به یاد جان‌باختگان راه آزادی و سوسیالیسم، کار خود را آغاز کرد. کنگره پس از شنیدن گزارش ستاد برگزاری اجلاس، انتخاب هیات رئیسه و تعیین منشی‌ها وارد دستور کار خود شد.

در ابتدا آئین‌نامه پیشنهادی ستاد برگزاری کنگره برای تعیین مقررات و روال کار به رای گذاشته شد و به اتفاق آرا به تصویب رسید. منطبق با سنت نشست‌های سازمان، علاوه بر جوانان نسل سوم، جمعی از هم‌راهان و هم‌زمان خارج از سازمان نیز به عنوان میهمان در کنگره حضور داشتند. به تاکید آئین‌نامه برگزاری کنگره، میهمانان حاضر در کنگره می‌توانند در همه فعالیت‌های آن به غیر از انتخاب کردن و انتخاب شدن شرکت کنند.

پس از معرفی میهمانان و تصویب اعتبارنامه‌ها، دستور جلسه پیشنهادی کمیته مرکزی به رای گذاشته شد و به تصویب رسید. کنگره در ابتدای کار خود به بحث پیرامون اوضاع سیاسی ایران و منطقه، موقعیت چپ و نیروی دمکراسی و لزوم اتخاذ راهکارهای محوری در پاسخ به نیازها و موقعیت خطیر کنونی کشور پرداخت. بر متن بحث‌های گسترده قبل از کنگره و پس از بحث‌های اولیه کنگره، کمیسیونی برای جمع‌بندی دیدگاه‌ها و نظرات، تدقیق بحث‌ها و ارائه اسناد قطعنامه‌ای تشکیل شد. این کمیسیون پس از بحث و جمع‌بندی نظرات موجود، سه سند قطعنامه به کنگره ارائه کرد که از میان آن‌ها، قطعنامه اول (با عنوان: "برای ایجاد یک فوروم گفت‌وگوی دمکراتیک") با آرای ۶۴ درصد شرکت‌کنندگان کنگره به تصویب رسید. قطعنامه دوم (با عنوان: «حل بحران آترناتیو، با هویت‌یابی اردوی مستقل دموکراسی رادیکال و برابری طلب در درون جنبش بی‌هویت سرنگونی و دموکراسی طلبی مه‌آلود ممکن است») ۲۶ درصد و قطعنامه سوم (با عنوان: "برای برپایی یک فوروم اجتماعی و برای ائتلاف علیه استبداد") ۲۰ درصد آرا شرکت‌کنندگان در کنگره را به دست آوردند. (متن این قطع‌نامه‌ها جداگانه آمده است)

کنگره در ادامه کار خود، گزارش عملکرد عمومی کمیته مرکزی در فاصله کنگره ششم تا هفتم را مورد بررسی قرار داد و کلیت این گزارش را همراه با اصلاحاتی به تصویب رساند. کنگره، کمیته مرکزی آینده را مامور کرد که بر ارتقا کیفیت کار سازمان، جلب و جذب نیروهای طرفدار آزادی و سوسیالیسم، بهبود و گسترش انتشارات و امکانات ارتباطی سازمان متمرکز شود و با اصلاح سبک کار، راه را برای مشارکت گسترده‌تر و مداخله هر چه بیشتر اعضای سازمان در همه فعالیت‌های آن بگشاید و تلاش کند در راستای پروژه اتحاد بزرگ هواداران سوسیالیسم و تحولات تازه در هم‌گرایی‌ها و آرایش نیروهای چپ، همه امکانات خود را بکار گیرد. مقرر شد پروژه اتحاد چپ کارگری، کمیته اتحاد عمل برای دمکراسی و پروژه‌های هم‌گرایی دیگر هم‌چنان پیگیرانه دنبال شود.

اصلاحات تشکیلاتی و "خانه‌تکانی فکری" در ارتباط با سیاست‌های گذشته حاکم بر سازمان، دیگر محور بحث کنگره بود. در نقد فرهنگ و ساختار تشکیلاتی گذشته سازمان سندی تحت عنوان: "باز هم خانه‌تکانی کنیم" به کنگره ارائه شد که از حمایت بیش از دو سوم حاضران برخوردار گردید. در این سند ضمن انتقاد قاطع و همه‌جانبه از عملکردهای ضد دمکراتیک و فوق‌سائترالیستی که در گذشته به فرهنگ حاکم سازمان تبدیل شده بود" بر فاصله‌گیری "همه‌جانبه" از این عمل‌کردها تاکید شد. در این سند با شرح تلاش کنگره اول در فاصله‌گیری از "بینش غیر دمکراتیک حاکم بر احزاب چپ" که "اقدامات عملی ناشی از آن بعضاً سرکوبگرانه و استبدادی بود"، آمده است که امروز مسئولانه "می‌توان ادعا کرد که دمکراسی درون حزبی در سازمان با یک حداکثر قابل قبول و در ابعادی همه‌جانبه نهادی شده است". در متن سند ضمن ابراز تأسف از برخوردهایی که به کناره‌گیری و استعفای عده‌ای از اعضای سابق سازمان منجر شد، از آن دسته از رفقای که برای سوسیالیسم و آزادی پیکار می‌کنند و خود را در چهارچوب عمومی سازمان می‌دانند دعوت به بازگشت شد. کنگره پس از تصویب این سند در چهارچوب تحقق آن، هیاتی را برای گفتگو با رفقای جدا شده از سازمان تعیین کرد. (متن کامل این سند ضمیمه است)

کنگره در ادامه بحث پیرامون اصلاحات تشکیلاتی به منظور تسهیل امر عضوگیری در موقعیت جدید، وجود دو معرف برای اعضای جدید را نالازم و کفایت یک معرف برای نامزدهای عضویت را با اکثریت آرا به تصویب رساند. در همین راستا برای جلب و جذب جوانان به سازمان، کنگره، کمیته مرکزی را مامور کرد تا نهاد یا ارگانی برای سازماندهی جوانان بوجود آورد و امکانات گسترش سازمان در میان جوانان نسل سوم را فراهم سازد.

بقیه در صفحه ۴

دیروزی خود فاصله گرفته است که از دست‌آوردهای کنگره اول هم بسیار جلوتر رفته است. با صمیمت و مسئولیت می‌توان ادعا کرد که دموکراسی درون حزبی در سازمان ما با یک حداکثر قابل قبول و در ابعادی همه‌جانبه نهادی شده است، و این امر نه تنها در نظر، که در عمل عموماً جاربت و حراست از این دست‌آوردها و نظارت بر اجرای درست آن را نه تنها رهبری، که تک‌تک اعضا و فعالین سازمان به عهده همت خود دارند.

— برابری کامل حقوق زنان و مردان در مدیریت سازمان
— ایجاد نهاد مستقل نظارت بر کارکرد رهبری و بررسی شکایات که اعضای آن را کنگره انتخاب می‌کند و تنها به کنگره پاسخگوست.
— حقوق تعریف شده اقلیت برای بیان و انعکاس نظراتش حتی اگر این اقلیت تنها یک تن باشد.

— تأمین حق قانونی گرایش‌های نظری از طریق ایجاد فراکسیون‌ها و وجود بقیه ابزار و امکانات و مقررات برای انعکاس و پیش‌برد اظهار نظر و تبلیغ و ترویج نظرات دگراندیشان سازمان در داخل و خارج، در بیرون و درون سازمان در چهارچوب مبانی توافق شده.

— قانونیت داشتن حق مخالفت با سیاست‌های رسمی، تاکتیک‌های سیاسی و عمومی سازمان و دادن فرصت مساوی برای جهت‌گیری‌های نظری تک‌تک اعضای سازمان.

— وجود آئین‌نامه‌ها، فرآیندهای کنگره‌ای و سایر مجامع صلاحیت‌دار، نظارت مستمر همگانی، نفی کیش شخصیت و بسیاری از دست‌آوردهای دموکراتیک دیگر، بازگشت به بینش گذشته را تقریباً ناممکن کرده است.

این دست‌آوردهای افتخار آفرین، ما را در شرایط جدیدی قرارداده است که پذیرش خطاهای گذشته و نقد همه‌جانبه و جسورانه‌ی آن اولین گام مسئولانه‌ی آن است.

نقد بینش استبدادی و بروکراتیک و به ویژه عمل‌کردهای ناشی از آن در میان کمونیست‌ها فرصت تحریف تاریخ چپ را از دست دشمنان یا واماندگان سلب می‌کند. نقد بی‌پروا و مسئولانه از گذشته‌ی ما، سازمان ما را که از شاخص‌ترین تشکلهای چپ کارگری و سوسیالیستی است، بیش از این که هستیم تقویت می‌کند و سربلند می‌سازد. این کار در همان حال که همبستگی درونی ما را تشدید می‌کند، به عنوان انتقال یک تجربه، مهر خود را در تاریخ چپ، با پی‌ریزی یک سنت مثبت بجای می‌گذارد.

امروزه ما موظفیم در مورد آنچه بر ما گذشته است به روشنی سخن بگوئیم و تجربه‌های مثبت و منفی خود را در معرض قضاوت فردائیان بگذاریم. ما باید در مورد اعمال خطاهای بینشی و عملکرد خود اعلام موضع کنیم و با جسارت گامی به پیش در جنبش چپ برداریم.

در چهارچوب چنین پرنسیپی؛ کنگره سازمان موارد زیر را تصویب می‌کند و اجرای آن را از مدیریت منتخب خود خواستار می‌شود.

۱- کنگره با انتقاد قاطع و همه‌جانبه از عمل‌کردهای ضد دموکراتیک و فوق‌سائترالیستی که در گذشته به فرهنگ حاکم سازمان تبدیل شده بود و اساساً از طریق رهبری‌های وقت پیش می‌رفت، اعلام می‌کند که بطور همه‌جانبه از آن بینش فاصله گرفته است.

۲- کنگره از ستمی که به رفقای اخراجی و آن دسته از رفقای که تحت شرایط فضای خفگی آن روزگاران، ناچار به کناره‌گیری و استعفاء شده‌اند، تأسف خود را اعلام می‌کند و از آن‌ها پوزش می‌خواهد.

۳- کنگره آن دسته از رفقای را که برای سوسیالیسم و آزادی پیکار می‌کنند و خود را در چهارچوب عمومی سازمان ارزیابی می‌کنند و وجود رژیم جمهوری اسلامی را مانع مقدم می‌دانند و برای براندازی آن تلاش می‌کنند، دعوت می‌نماید تا به تشکیلات خودشان، به صفوف رزمندگان سازمان بپیوندند.

دنباله از صفحه ۳ گزارش کنگره.....

اصلاح ساختار رهبری تشکیلات از دیگر موارد بحث بود. تامین مشارکت هر چه موثرتر اعضای کمیته مرکزی در تصمیمات و اجرائیات، چابک سازی ارگان رهبری، هم آهنگی بیشتر در فعالیت ها و فراهم سازی زمینه ارتقا فزاینده تر کیفیت و کمیت کار، بهره مندی هر چه بیشتر از تجربه و توان اعضا و فعالین سازمان در نهادها و کمیسیون های کار و کمیسیون های تخصصی، مضمون اصلاحات پیشنهادی در این حوزه بود که در کنگره مورد تصویب قرار گرفت.

آخرین دستور کار کنگره، انتخابات کمیته مرکزی و کمیسیون نظارت و بازرسی بود. کنگره پس از انتخاب اعضای کمیته مرکزی و کمیسیون نظارت و بازرسی به کار خود پایان داد.

حل بحران آترناتیو، با هویت یابی اردوی

مستقل دموکراسی رادیکال و برابری طلب در درون

جنبش بی هویت سرنگونی و دموکراسی طلبی

مه آلود ممکن است

متن قطعنامه دوم که آرای ۲۶ درصد شرکت کنندگان کنگره

را به دست آورد و به تصویب نرسید، به شرح زیر است:

۱ - با شکست کامل پروژه اصلاحات و مسلم شدن عدم امکان نجات رژیم حتی برای خود اصلاح طلبان، بحران سیاسی به مرحله تازه ای رسیده و جمهوری اسلامی وارد فاز فروپاشی شده؛ و مسئله ضرورت برچیدن این رژیم، اینک جای خود را به چگونه برچیدن آن و مسئله جایگزین نظام داده است.

۲ - در چنین مقطع سرنوشت سازی، جنبش های گسترده اجتماعی کارگران، بیکاران، تهیدستان، زنان، جوانان، ملیت ها و غیره؛ و همچنین مبارزات آزادیخواهانه و دمکراتیک در درون جنبش عمومی ضد استبدادی و مطالبات آنان، در عین حال که زمینه عینی نقدا موجود و مساعدی برای تکوین یک آترناتیو آزادیخواه، دمکراتیک و برابری طلب در بستر و متن این جنبش های جاری هستند، لیکن فاصله ای که بخش های مختلف این جنبش ها از آگاهی نسبت به سیما و پلاتفرم آترناتیو برآورنده نیازهای اساسی خود دارند؛ و نیز فقدان شبکه های ارتباطات توده ای که از طریق آنها این جنبش های اجتماعی و سیاسی به یکدیگر متصل شده، مطالبات و اهداف پراکنده خود را به پلاتفرم مشترک یک نهضت سراسری آزادیخواه و برابری طلب تبدیل کنند، از مهم ترین عوامل منفی در وضعیت حاضرند، که شرایط را برای شکل گرفتن یک رهبری از دل این جنبش توده ای و پا گرفتن جنبش آترناتیو بسیار نامساعد می کنند. همین عوامل منفی، شرایط مساعدی برای تلاشگران آترناتیوهای استبدادی، ارتجاعی، و قبائل دیگری از استثمارگران و چپاولگران فراهم می کنند، تا از شکاف میان رژیم و مردم وارد شده و در تاریکی شعارهای مبهم و کلی علیه استبداد و وعده های عوام فریبانه دروغین در باره آزادی،

دموکراسی، عدالت و رفاه، خلا آترناتیو را بسود خود پر کنند.

۳ - در چنین وضعیتی روشنائی انداختن به شکاف ها و شعارهای تاریک، صراحت دادن به اصول و مطالبات آزادیخواهانه، دمکراتیک و برابری طلبانه و تبدیل آنها به گفتمان غالب در جنبش های اجتماعی و سیاسی کشور؛ سازمان یابی اردوی مستقل دموکراسی و برابری رادیکال در جنبش بی هویت سرنگونی؛ و نیز معماری ارتباطات توده ای میان جنبش های پراکنده و در خود، مبرم ترین نیاز جنبش آزادیخواهانه و برابری طلب به منظور برطرف کردن عوامل منفی و تغییر وضعیت نامساعد به مقابله سازمان یافته با آترناتیوهای ارتجاعی و استبدادی از طریق مطالبات، شعارها و پلاتفرم های رادیکال و شفاف، در مسیر براندازی دمکراتیک جمهوری اسلامی است.

۴ - از میان ملزومات گوناگون پاسخگویی به این نیاز مبرم جنبش، وسایل ارتباطی و رسانه ای با برد توده ای است تا هم امر انتقال و انتشار گفتمان دمکراتیک و برابری طلبانه در مقیاس توده ای، و هم به عنوان حلقه اتصال جنبش های پراکنده و مطالبات آنان با یکدیگر، موثر باشد.

۵- ایجاد رسانه (هائی) در خارج از ایران با چنین اهدافی و در خدمت به خودرسانی و خودحکومتی توده ای، می تواند یکی از تلاش های مداخله گرانه برای برهم زدن موازنه نیروها به سود آترناتیو دمکراتیک توده ای باشد.

۶ - رسانه ای که هدف آن انتقال و انتشار گفتمان رادیکال از آزادی های سیاسی، حقوق دمکراتیک، دموکراسی و برابری باشد، تنها می تواند با همیاری و همکاری آتانی برپا شود و عمل کند، که هر یک از آتانی که برای مجموعه ای، یا تعدادی و یا فقط برای یکی از محورها و اصول متعدد مربوط به آزادی، دموکراسی و برابری مبارزه می کنند، مدافع و مبلغ رادیکالیسم در همان زمینه باشند. چنین جمعی در کلیت خود (و نه الزاما در وجود تک تک عناصر) جمعی خواهد بود با هویت دمکراتیک و برابری طلب. جمع کردن چنین طیفی با یک پلاتفرم حول مضامین سلبی یا ایجابی حول اصول و موازین آزادی یا دموکراسی یا برابری، نه درست است و نه عملی.

تنها شرط باید علاقه مندی و آمادگی آنان برای همیاری و همکاری برای ایجاد چنین رسانه ای و با هدف عمومی انتقال و انتشار گفتمان رادیکال از آزادی، دموکراسی و برابری به جنبش های داخل، و اتصال آنها به یکدیگر باشد.

۷ - همیاری و همکاری این طیف حول رسانه ها و در زمینه مداخله گری در جنبش های جاری در ایران، می تواند در ادامه خود همگرایی های احتمالی را نیز در میان برخی از فعالان این طیف به بار آورد، که البته دستاورد مثبتی خواهد بود.

۸ - این طیف دموکراسی و برابری رادیکال، می تواند از طریق همسوئی ها، هماهنگی ها و همکاری های موردی با نیروهای دمکرات پیرامونی شعاع اردوی دموکراسی را در مسیر تقویت جنبش دمکراتیک سرنگونی و سد کردن راه آترناتیوهای ارتجاعی و استبدادی هر چه بیشتر گسترش دهد.

برای برپایی یک فورم اجتماعی و برای ائتلاف

علیه استبداد

متن قطعنامه سوم که آرای ۲۰ درصد شرکت کنندگان کنگره

را به دست آورد و به تصویب نرسید، به شرح زیر است:

در شرائطی که :

۱- بحران سیاسی عمومی کشور رو به تشدید است
۲ - استبداد سیاسی وسیع ترین بخش های جمعیت کشور را برانگیخته و به مخالفت کشانده و نه استبداد دینی و حکومت دینی مشروعیت ندارد بلکه وسیع ترین بخش جمعیت ایران بیش از هر زمان در تاریخ کشور خواهان تعیین سرنوشت و حاکمیت توسط مردم است.

۳- در سطح اندیشه سیاسی، فکر دموکراسی و دموکراسی خواهی علیرغم پیش روی هنوز از عمق لازم برخوردار نیست. به ویژه دموکراسی عمیق و همه جانبه مورد نظر گرایش سوسیالیستی ضعیف است.

۴ - در سطح مبارزه عملی علیه استبداد، جنبش عمومی علیه استبداد با همه گستردگی پراکنده است و هم سوئی و هم پیوندی متناسب برای غلبه بر استبداد حاکم را ندارد.

۵ - جنبش های اجتماعی - طبقاتی موجود هم سو با جنبش مزد و حقوق بگیران علیرغم گستردگی، انسجام و هماهنگی مبارزاتی لازم را ندارد و به لحاظ افق های مبارزاتی بلندنگر نیست و خواست ها و مطالبه ها و مسیر و نوع دموکراسی روشنی کافی ندارد.

۶ - برای کمک به برطرف شدن ضعف های برشمرده در مسیر مبارزه مزد و حقوق بگیران و جنبش های اجتماعی همسو با آن و تقویت نقش این اردو در جنبش عمومی دموکراسی و برای کمک به رفع ناتوانی های جنبش عمومی دموکراسی در مبارزه علیه استبداد حاکم، ما برآنیم که:

الف - وظیفه همراهی و یاری برای برپایی یک فورم اجتماعی که گفتمان دموکراسی همه جانبه و مشارکتی را در میان بخش های مختلف اردوی مزدو حقوق بگیران و جنبش های اجتماعی هم سو با آن جاری و تقویت کند، در دستور کار قرار می گیرد.

ب - برای کمک به هم سو کردن و متحد کردن مبارزات عملی بخش های مختلف جنبش دموکراسی عمومی، آماده هم کاری و همراهی بر سر هر مطالبه دمکراتیک با گرایش های مختلف نیروهای دمکرات بوده و خواهان وسیع ترین همکاری های عملی هستیم.